

زبان بلوچی، توانش، زایایی

اسماعیل نرماشیری

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سیستان و بلوچستان

چکیده

زبان بلوچی مانند زبان فارسی یکی از زبان‌های وندی و ترکیبی است و همین خصیصهٔ زبانی موجب شده تا روند گسترش‌پذیری در این زبان به راحتی صورت گیرد. تحول همیشگی زبان و جامعهٔ بلوچ، که در شرایط اقلیمی ویژه‌ای قرار دارد، باعث شده تا این زبان از خلاقه‌ها و جنبه‌های زایایی، که گسترش‌پذیری یکی از ویژگی‌های آن است، برخوردار گردد. امروز سخنگویان بلوچ اعم از تحصیل‌کرده و تحصیل‌نکرده، از راه‌های گوناگون برای تفهیم مطالب موردنظرشان از این ترکیب‌ها استفاده می‌کنند. اگر به درستی در این زبان نگریسته شود، ابعاد گسترش‌پذیری حد بسیار وسیعی دارد که این مطلب ضمن بیان نکات زبان‌شناسی، از نظر جامعه‌شناختی نیز قابل تأمل است.

کلیدواژه‌ها: زبان بلوچی، هویت، تأثیرپذیری، توانش، زایایی.

مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی، و اجتماعی بودن وجه برجستهٔ او نسبت به سایر موجودات است، و البته همین ویژگی وی را بر آن داشته تا زبان - که یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است - را پدید آورد، هر چند که به روشنی نمی‌توانیم «بگوییم» که زبان در چه زمانی پیدا شده، نخستین زبان کدام بوده است و دقیقاً علل تغییرات زبانی کدامند». (صفوی 1376: 9)

به هر حال، چون زبان امری انسانی و اجتماعی است، «طبیعتاً صورت ثابت و واحدی ندارد و به تبع اجتماعی و همراه با نیازهای جامعه دائماً در حال تغییر است. هر زبانی در هر دوره‌ای از تاریخ دارای اختصاصاتی است که با دوره‌های قبلی متفاوت است». (باقری 1379: 47)

پس زبان یک پدیدهٔ هویتی و ارزشی است، تا جایی که بسیاری عقیده دارند فروپاشی تمدن بابل تنها به دلیل فراموشی زبان بوده است. از این رو قوم‌ها و ملت‌ها همواره در روند تاریخ کوشیده‌اند تا با کنکاش و پژوهش‌هایی، زبان و داشته‌های زبانی خود را تا حد ممکن به دیگران بشناسانند تا بدین‌وسیله ضمن پاسداری و سپاسداری از

میراث مادری‌شان، در تقویت بنیان‌های بومی زبانشان - که امروزه از راه‌های گوناگون در معرض تضعیف و یا هجوم زبان‌های غالب‌اند - بکوشند.

این رویکرد و شناخت، نگارنده را بر آن داشت تا با نگرشی دیگر، داشته‌های زبانی زبان بلوچی - که از ویژگی‌های قابل ملاحظه‌ای از نظر توانش گسترش‌پذیری در راستای زیایی زبان بهره‌مند است - را پیش روی علاقه‌مندان به عناصر زبانی، و همچنین جامعه‌شناسان زبان بگشاید. هر چند به خوبی آگاه است که تحلیل عناصر زبانی و تأثیر و تبدل آنها در کنار سایر مشخصه‌ها در محدوده یک مقاله نمی‌گنجد؛ اما با این هدف که هر یک از این نوع پژوهش‌ها می‌تواند راهی باشد تا دیگران با نظری به آنها به یک انسجام علمی زبانی دست یابند، به این نوشته مبادرت جسته است.

در این مقاله تلاش شده باتوجه به کثرت گسترش‌پذیری در زبان بلوچی، فقط پنج نمونه از توان‌ها و خلاقه‌های گسترش‌پذیری و زایشی زبان بلوچی، با مطالعه آثار مربوط و همچنین آثار علمی موازی و بحث و تبادل نظر با پژوهشگران و گویشوران، تدوین یابد. امید است مفید واقع گردد.

1- صامت

1-1- صامت‌های مشترک زبان بلوچی و فارسی

م - m	ع - a	ذ ز ض ظ - z	ج - j	ب - b
ن - n	غ ک - g	ر - r	چ - č	پ ف - p
و - w	ک ق - k	ژ - ?	ح خ ه - h	ت ط - t
ی - y	ل - L	ش - ?	د - d	ث س ص - s

1-2- صامت‌های ویژه زبان بلوچی

ط	ر	ڄ	ڄ	ڄ	ڄ
---	---	---	---	---	---

2- مصوت

2-1- مصوت‌های مشترک زبان بلوچی و فارسی

آ - â	آ - a
ای - i	ا - e

o - أُ	u (ō) - او
--------	------------

2-2- مصوت‌های ویژه زبان بلوچی

ay - اِی	ey - یِ	ye - یِ	aw - وِ	ow - اوِ	wo - وِو	we - وِ
----------	---------	---------	---------	----------	----------	---------

جستاری در توانش و زایایی زبان بلوچی

«ای.م. اُرانسکی» در مقدمهٔ *فقه اللغه ایرانی*، زبانی بلوچی را از جمله زبان‌های «شمال‌غربی» می‌داند؛ که بیشترین سخنگویان آن در جنوب شرقی فلات ایران در ناحیه‌ای موسوم به بلوچستان زندگی می‌کنند. این زبان غیر از بلوچستان در برخی دیگر از نقاط ایران چون کرمان، لارستان، سیستان، قائن، بیرجند، سبزواری، جوین، تربت حیدریه، کهنوج، جیرفت و ... گویش‌ورانی دارد، و علاوه بر آنها در بلوچستان، پاکستان و نواحی جنوبی افغانستان نیز رایج است. عده‌ای از بلوچ‌ها در «اتحاد جماهیر شوروی [سابق]» در بخش ماری (روس‌ها نام شهر «مرو» را به «ماری» تغییر داده‌اند) ترکمنستان و شبه جزیرهٔ عربستان (مسقط) و عمان (ناحیه شارجه) هم دیده می‌شوند». (اُرانسکی 1358 : 333) همچنین جمعیت‌های کوچک‌تری از بلوچ‌ها به صورت پراکنده در هندوستان و به تازگی تعدادی در اروپا و امریکا (محمود زهی 1377 : 4) گذشته از آنچه که در بخش‌هایی از «تانزانیا و زنگبار افریقا» (شهبخش 1374 : 38) وجود دارند نیز زندگی می‌کنند.

به خوبی روشن است این تنوع و گستردگی از جمله عواملی است که موجب شده تا زبان بلوچی در کنار سایر زبان‌های زندهٔ دنیا جایگاهی داشته باشد و نگاه اندیشمندان زبان‌شناس و جامعه‌شناس ایرانی و غیرایرانی را به خود متوجه سازد. باور علمی این است که زبان و قوم بلوچ یکی از دیرینه‌های این سرزمین است که در روند تاریخ تأثیراتی داشته است، ولی برخلاف گذشت زمان بسیار طولانی و همچنین پدید آمدن دگرگونی‌های انسانی و زیست‌شناختی، این زبان در نقاطی دوردست از بلوچستان ایران به طور قابل ملاحظه‌ای اصالت و کهنگی خود را حفظ کرده است، به گونه‌ای که به روشنی نمی‌توان نشانی از دگرگونی و برخورد‌های زبانی آن طور که در مناطق دیگر بلوچستان دیده می‌شود، در آن یافت.

از آنجا که زبان «انسان را می‌سازد و بی‌گمان پیشرفت‌های انسان در گرو زبان است و بشر در قالب زبان می‌اندیشد و اندیشیدن خود نوعی سخن گفتن است» (وحیدیان کامیار و عمرانی 1379 : 3)، زبان بلوچی چون دیگر زبان‌ها علاوه بر آن نگرش ایستایی و به اصطلاح «غیرفعال»، البته در مناطقی که یاد شد، در معرض کانون پدیده‌ها و روابط اجتماعی و انسانی قرار گرفت و از روی خصلت زبان از زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی و اردو تأثیر لازم را پذیرفت. نوشته‌های نویسندگان و گفته‌های گویندگان این زبان، این پذیرش و تغییر ساختار را آشکارا بیان می‌کند.

باید بپذیریم که واژگان یک زبان، نشانگر نیازهای مردمی است که به آن زبان گفت و گو می‌کنند؛ از این رو مفاهیم در ذهن گویندگان همهٔ زبان‌ها یکسان و منطبق نخواهد بود، بلکه مفاهیم و حقایق ذهنی در هر زبانی مبتنی بر «تمدن، دین، محیط، آداب و رسوم و مانند این‌هاست و برای هر حقیقت ذهنی، لفظی نیز وضع می‌شود، و چون در زبان‌های مختلف این مبانی متفاوت‌اند، لذا حقایق ذهنی نیز متفاوت‌اند» (باقری 1379 : 47). در آن صورت دگرگونی‌های واژگانی و گستره‌اش به تبع آن منحصر و خاص خواهد بود.

با این وجود، هر زبانی با هر جایگاه و شرایطی، ویژگی‌ها و خلاقه‌های زبانی مربوط به خود را خواهد داشت و هرگز از توان‌های زایشی و تولیدی خالی نیست؛ چون اساساً یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و قابل درک زبان بشری همین مشخصه و امتیاز خلاقیت‌های بالقوهٔ زبانی است.

توانش با زیایی زبان چه ارتباطی دارد؟

توانش در اصل یک اصطلاح گشتاری است، بدین معنا که «به دانش ناآگاه سخنگویان هر زبان دربارهٔ زبان‌شان، توانش زبانی می‌گویند». (مشکوٰۃ‌الدینی 1374 : 33) به زبان ساده‌تر یعنی این که وقتی کسی زبانی را یاد می‌گیرد، در واقع مجموعه محدودی قاعده می‌آموزد که به کمک آن می‌تواند جمله‌های آن را به وجود آورد و بفهمد. همیشه چنین است که واژگان هر زبان از تعداد محدودی واژه تشکیل می‌شود، که «این تعداد در زبان‌های مختلف متفاوت است و در بعضی زبان‌ها ممکن است به چندصد هزار برسد، ولی تعداد آنها در هر حال محدود است، اما ترکیباتی که از این واژه‌ها می‌توان ساخت محدودیتی ندارد». (باطنی 1375 : 127)

توان‌ها و بالقوه‌های یک زبان «آنقدر زیاد است که به شمارش در نمی‌آید و به سخن دیگر، به تعداد جملائی است که یک فرد در تمام طول زندگی خود به زبان می‌آورد و یا می‌تواند به زبان بیاورد». (باقری 1379 : 81) پیداست که این تعداد هرگز قابل شمارش نیست.

به هر حال گسترهٔ افق این پدیده انسانی و اجتماعی تا جایی است که پژوهشگرانی چون «فردینان دوسوسور» و به ویژه «نوام چامسکی» را بر آن داشته تا توجه زبان‌شناسان و روان‌شناسان را به اهمیت آن جلب کنند. با این وجود لازم است برای یافتن توان‌ها و جنبه‌های زایش زبان، ضمن آموزه‌های علمی، از دانش مردم‌شناسی نیز برخوردار بود تا بدین وسیله علاوه بر کشف حدّ و حیطة آنها، به موقعیت درست زبانی و همچنین قدرت تولیدی آنها نیز پی برد.

مختصری از دستور زبان بلوچی

زبان بلوچی مانند زبان فارسی وندی و ترکیبی است؛ ولی از نظر صامت‌ها و مصوت‌ها، همان‌گونه که در جدول نشانه‌های آوانگاری نشان داده شد، اختلافاتی دارد. وجود همین صامت‌ها و مصوت‌ها موجب ترکیب‌پذیری بیشتر و در نتیجه توانایی زایشی آن شده است.

از نقطه نظر ساخت، ترکیب مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت در زبان بلوچی جز در گویش‌های معدود، عکس زبان فارسی و شبیه گرامر زبان انگلیسی و اردو است. «ماضی مطلق و استمراری آن به یک شکل و مضارع مطلق در معنی مضارع اخباری و مستقبل است». (دامنی 1377 : 59)

نشانه مفعولی در زبان بلوچی «a»، «â» و «ē» است، که این سه علامت معادل «را» در زبان فارسی است. نشانه جمع، «ن» است و به ندرت از نشانه «ها» استفاده می‌شود. «ag» نشانه مصدری و اسم جمع، و «e - ای» و «â - آ»، صفت‌های اشاره به نزدیک و دور و «آبی»، «âē» و «اشی»، «e?i»، ضمیرها هستند.

گونه‌هایی از خلاقه‌های زبان بلوچی

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون از جنس اسم و مصدر برای ساختن مصدر*

- بند بندگ / Bad banag / دیوار چیدن، ریسمان بستن
- پاد پادآیگ / Pâd pâdayag / پا ورم کردن
- پرک پرینگ / Perrek perrenag / سنجاقک پرواز دادن
- پُل پلگ / Poll pollag / گل شکفتن
- پُچ پچینگ / Počč pečinag / لباس کهنه شدن، لباس کهنه کردن

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس مصدر

- کن ء ور / Kan-o war / پختن / خوردن / آشپزی کردن
- گوش ء کند / Gwa?-o kand / گفتن / خندیدن / نشاط و شادمانی کردن
- جن ء چوپ / Jan-o čwp / زدن / کوبیدن / زد و خورد کردن
- گند ء نند / Gend-o nend / دیدن / نشستن / خواستگاری کردن / انجمن خواستگاری برپا کردن
- کر ء کش / Ger-o kas / گرفتن / کشیدن / درگیر شدن

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم و مصدر برای ساختن مصدر

- آپ دیگ / Ap dayag / آب دادن، پذیرایی کردن
- دک گرگ / Dakk gerag / بهانه‌تراشی کردن

* ترجمه‌ها، ترجمه‌های لفظ به لفظ است.

- باگ پاد آدیگ / Bâg pādâyag / باغ شکوفا و سرسبز شدن
- تُنّ پَرشگ / Tonn porʔag / تشنگی برطرف شدن
- نان ورگ / Nân warag / نان خوردن

ساخت‌های گسترش‌پذیر جزء دوم همگون از جنس اسم و مصدر برای ساختن مصدر

- گوات دیگ / Gwât dayag / باد دادن
- بال دیگ / Bâl dayag / پرواز دادن
- گوش دیگ / Gwoʔ dayag / استراق سمع کردن
- جنگ دیگ / Jang dayag / مبارزه کردن
- آس دیگ / As dayag / آتش دادن، آتش زدن

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون از جنس مصدر

- پیچ ء پاگ / Pač-o pâg / پختن / پخت و پز
- دید ء گند / Did-o gend / دیدن / ملاقات
- روپت ء روپ / Ropt-o Rwap / جارو کردن / تصاحب کردن و تمیز کردن
- چوپت ء چوپ / Čopt-o čwap / زدن / زدن و کوبیدن
- پروشت ء پروش / Proʔt-o porwaʔ / شکستن / نابود کردن / شکستن و له کردن

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون از جنس صوت

- ژلینگ ژلینگ / ?aling ?aling / صدای زیورآلات
- تلینگ تلینگ / teling teling / صدای به هم خوردن استکان‌های شیشه‌ای
صدای نازک گریه نوزاد یا کودک
- ژهپ ژهپ / ?ahapp ?ahapp / صدای وزش باد، صدای سیل و توفان
- کلش کلش / Kaleʔ Kaleʔ / صدای کفش و دمپایی هنگام راه رفتن
- پینگ پینگ / Peng Peng / صدای بزغاله‌ها

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس صوت

- کپَرَّءُ کپَرَّ / Kaparr-o kaperr / صدای به هم خوردن بال‌های پرندگان
- ترهپ ءُ تروپ / Trahp-o trop / صدای برخاستن و افتادن کسی، صدای زد و خورد

- ولنگ ءُ ولینگ / Walang-o waling / صدای گریه و همه‌می بچه‌ها
- گبیر ءُ گبار / Gabirr-o gabârr / صدای گریه و زاری افراد در هنگام حادثه
- بوست ءُ باست / Bust-o bâst / صدای زد و خورد، صدای افتادن چیزی

سنگین

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم و فعل برای ساختن قید زمان

- بانکلینک‌وار / Bânkalenk wâr / فصل باقلا خوردن
- تاک چند / Tâk čand / فصل برگ‌ریزان^ط
- برنج رون / Berenj rôn / فصل درو کردن برنج
- بزچین / Boz čên / فصل چیدن موی بزها
- جوهان موش / Jowhân mōš / فصل کوبیدن خرمن

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم و فعل برای ساختن قید مکان

- تیر کش / Tir ka?? / کمینگاه، محل تیر انداختن
- بانز نند / Bâz nend / محل نشستن مرغ شکاری شاهین
- آسک چر / Ask čar / محل چریدن آهو
- دیه جن / Dih can / محل زدن دیو^ط
- شپان گند / šopân gend / محل دیدن شبان

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون برای ساختن قید حالت

- هیآ هیآ / Hayya Hayya / با شتاب و عجله
- تکّ تکّ / Tekk Tekk / آرام آرام، باطحوصله رفتن
- ده ده / Deh deh / باعجله، شتابان

- زیت زیت / Zit zit / زود زود
- لہم لہم / Lahm lahm / یواش یواش

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون در معنای قیدی

- زیگین روچ / Zigen rowč / دیروز / روز
- مرچین جاگه / Marčen jâgah / امروز / جا، مکان / جا و مکان امروز
- پرمپوشی شپ / Prampow?i ?ap / پس تر فردا / شب / شب چهارم، پس تر
از فردا شب
- دوشی گدر / Dow?i godar / دیشب / محل عبور / محل عبور دیشب
- انشپی گدار / En?api godar / امشب / به بعد / از امشب به بعد

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس دو اسم برای ساختن ترکیب اضافی

- چم ء روک / Čamm-e rowk / نور چشم
- مردم ء ساه / Mardon-e sâh / روح انسان
- دل ء بند / Del-e band / بند دل
- دپ ء ت ام / Dap-e tâm / طعم دهن
- میچ ء هوش / mačč-e how? / خوشه درخت خرما

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس دو اسم برای ساختن ابزار

- استرگ سنگ / Estrag seng / وسیله‌ی تیز کردن کارت
- دست کری / Dast kari / دستبند^ط
- دندنتان برش / Tantân boro? / مسواک
- بت برش / Bot boro? / برس نقاشی
- بت کلم / Bot kalam / قلم نقاشی

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم (جزء اول معنادار و جزء دوم بی‌معنا)

- نگن ء مگن / Nagan-o magan / نان / o

- کپّ ء مپّ / Gapp-o map / سخن / o
- کدیم ء مدیم / Kadim-o modem / آب و علوفه / o
- دوک ء موک / Dowk-o mowk / سنگ و کلوخ / o
- جرّ ء مرّ / Jarr-o marr / خس و خاشاک / o

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم

- لزگ ء لیتار / Lezg-o litâr / آب دهان / آب لزوج
- سُهَل ء تران / Sohl-o terân / صلح، آشتی / انجمن، مجلس
- ست ء مت / Saṭṭ-o moṭṭ / سود / طّوض طّ
- سوت ء بوت / Soṭṭ-o boṭṭ / لباس / طّفش طّ
- شکّ ء مید / ? akk-o mid / شانه / مو

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس صفت

- کستر ء مستر / Kaster-o master / کوچک‌تر / بزرگ‌تر
- شرّ ء گنده / ? arr-o gandah / خوب / بد
- جهل ء بلند / Jhal-o balând / پست / بلند
- برز ء پتکّ / Borz-o patakk / بلند / کوتاه
- پولنگ ء پلگار / Puleng-o palgar / کثیف و کهنه / تمیز و مرتب

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء اول همگون از جنس صفت و اسم برای ساختن ترکیب وصفی)

- اول بیر / Awal bir / اولین تلافی
- اول جاک / Awal jâk / اولین فریاد ط
- اول تران / Awal trân / اولین سخن
- اول سانگ / Awal sang / اولین وصلت
- اول لیب / Awal lēb / اولین بازی

ساخت‌های گسترش‌پذیر غیرهمگون از جنس اسم و بن فعل برای ساختن صفت فاعلی مرکب

مرخم

- نغن وار / Nagan wâr / نان خور
- جامگ درّ / Jâmag derr / لباس پاره‌کن
- نان کت / Nân kaṭṭ / نان آور^ط
- دل کد / Del koḍ / دل‌آزار
- گم توس / Gam tōs / غم‌کش

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون از جنس صفت

- گرّ گرّ / Garr garr / زبر و خشن
- چُنْد چُنْد / Conḍ conḍ / قطعه‌قطعه^ط
- شلیمگ شلیمگ / ?alimag ?alimag / شل شل
- تکرّ تکرّ / Tokkor tokkor / تکه‌تکه^ط، بریده بریده
- کند کند / Kanḍ kanḍ / برجسته برجسته^ط، بریده بریده

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء اول همگون از جنس صفت و فعل برای ساختن صفت مفعولی)

- ایرت گواپ / Irt gowâp / ریز بافته شده
- ایرت چار / Irt čar / ریز دیده شده
- ایرت بند / Irt band / ریز بسته شده
- ایرت ریچ / Irt rič / ریز ریخته شده
- ایرت پرئچ / Irt prenč / ریز فشرده شده

ساخت‌های گسترش‌پذیر همگون از جنس اسم برای ساختن صفت

- دل ِ دل / Del-e del / دل‌بند، دل‌ارام
- سر ِ سر / Sar-e sar / سرور، آقا
- جان ِ جان / Jân-e jân / جانان
- علم ِ علم / ?elm-e ?elm / دانشمند

- پهم ۷ پهم / Pahm-e pahm / هوشیار، فهمیده
شایان ذکر است که این گونه ساخت‌های گسترش‌پذیر حتی در اسامی افراد بلوچ به فراوانی یافت می‌شود، اکنون برای آگاهی به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء اول همگون از اسم «گل» برای اسامی زنان)

- گل بی بی / Gol bibi
- گل ملک / Gol malek
- گل خاتون / Gol xâtōn
- گل بانو / Gol bânō
- گل پری / Gol pari

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء دوم همگون از اسم «گل» برای اسامی زنان)

- بی بی گل / Bibi gol
- ناز گل / Naz gol
- جان گل / Jân gol
- مه گل / Mah gol
- شه گل / ? ah gol

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء دوم همگون از اسم «محمد» برای اسامی مردان)

- ملک محمد / Malek Mohammad
- یار محمد / Yâr mohammad
- گل محمد / Gol mohammad
- شیر محمد / Šēr mohammad
- شی محمد / ?ey mohammad

ساخت‌های گسترش‌پذیر (جزء اول همگون از اسم «محمد» برای اسامی مردان)

- محمد امین / Mohammad amin
- محمد اکبر / Mohammad akbar

- محمد مهراڻ / Mohammad mehrân

- محمد نعيم / Mohammad naim

- محمد نظير / Mohammad nazir

نتيجه گيري

از اين نوشتار مي توان نتيجه گرفت كه زبان بلوچي، كه يكي از زبان هاي ايراني است، به دليل ساخت وندي و تركيبی مانند زبان فارسي از خلاقه ها و توان هاي زائشي قابل ملاحظه اي برخوردار است. اين غنا و توسعه واژگاني چند علت دارد:

1. پایداری و مقاومت برای حفظ و ماندگاری بنیان های هویتی و بومی این زبان در بسیاری از مناطق حاشیه بلوچستان و اصرار بیش از پیش برای استفاده از توان های درون زبانی.
2. ایجاد انعطاف و تأثیر پذیری، علاوه بر جنبه احتیاط آمیز زبانی.
3. تأثیر رسانه های جمعی درون منطقه ای و برون منطقه ای و همچنین مراکز آموزشی در تولید ساخت های جدید زبانی متناسب با نیازهای اجتماعی و انسانی روز.
4. تفاوت های گفتاری و معنایی بسیار گسترده بین نسل امروز، میانه و گذشته بلوچستان.
5. ارتباطات نسبتاً وسیع گویشوران این زبان با مردم کشورهای پاکستان، افغانستان، هندوستان، حواشی خلیج فارس و بعضی از کشورهای افریقایی و اروپایی و شهرهای ایران، و ایجاد تداخل های زبانی.
6. اثبات خاستگاه و طبیعت زبانی چون دیگر زبان های زنده دنیا.

کتابنامه

- ای. ام. ارانسکی. 1358. مقدمه فقه اللغة ايراني. چ 1. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- باطنی، محمدرضا. 1375. نگاهی تازه به دستور زبان فارسی. چ 7. تهران: آگاه.
- باقری، مهري. 1379. مقدمات زبان شناسی. چ 7. تهران: دانشگاه پیام نور.
- دامنی، سعید. 1377. زبان قوم بلوچ، گویش ایرانشهر (رساله دوره کارشناسی ارشد). بیرجند: دانشگاه آزاد اسلامی.
- شهبخش، عظیم. 1374. بررسی حماسه سرایی در زبان بلوچی (پایان نامه کارشناسی ارشد). شیراز: دانشگاه شیراز.
- صفوی، کورش. 1376. نگاهی به پیشینه زبان فارسی. چ 1. تهران: مرکز.
- محمود زهی، موسی. 1377. مقایسه زبان بلوچی با زبان های ايراني باستانی (رساله دوره دکتری). تهران: واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

مشکوٰۃ الدینی، مہدی. 1374. دستور زبان فارسی بر پایه گشتاری، چ 4. مشهد: دانشگاه فردوسی.
وحیدیان کامیار، تقی؛ عمرانی، غلامرضا. 1379. دستور زبان فارسی، چ 1. تهران: سمت.

منابع بلوچی

آسکانی، عابد. 2000. چشی شوم ء شانزده. بہارگاہ چاپ شنگ.
دشتیاری، صبا. 2004. ساچاء سہاتو. سیدہاشمی ریفرنس کتابجاء.
دیناری، عبدالقادر. 2005. گارین داستان. پاکستان.
شاهوانی، اثیر عبدالقادر. 2000. ایک جائزہ. کویتہ: بلوچی اکیڈمی.
طائر، تاج محمد. 2000. واہگ ء مرگ. کراچی: سیدہاشمی ریفرنس کتابجاء.
گوادری، عبدالمجید. 2004. سوسنین گیوار. پاکستان